

جهانی شدن و آموزش عالی، گسست میان نظریه تا کنش: راهبردهایی نوین برای توسعه آموزش عالی ایران

حمید جاودانی*

استادیار گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی،

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

چکیده

در این جستار که در چارچوب مطالعات مقدماتی برای تدوین برنامه پنجم توسعه بخش آموزش عالی صورت گرفته، تلاش شده است تا با برجسته ساختن مفاهیم و رویکردهای گوناگون بر چالشهایی که جهانی شدن در دو روایت فراروی نظامهای آموزش عالی از جمله نظام آموزش عالی ایران قرار می‌دهد، راهبردهایی ارائه شود که راهنمایی علمی برای تدوین برنامه توسعه بخش آموزش عالی کشور در برنامه پنجم توسعه باشد.

از این رو، نخست برای درک مفهوم پیچیده جهانی شدن که در بخش آموزش عالی از آن به مثابه بین‌المللی شدن دانشگاهها یاد می‌شود، فرایند تاریخی آن بررسی شده است. سپس، برای گسترش مفاهیم نظری به عرصه کنش، آثار و پیامدهای این پدیده در کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و نهادهای بین‌المللی مورد واکاوی قرار گرفته است. در پایان به منظور کاربردی‌تر ساختن یافته‌های این پژوهش در عرصه ملی، وضعیت نظام آموزش عالی ایران در فرایند جهانی - بین‌المللی شدن بر مبنای فراتحلیلی آسیب شناختی مورد مطالعه تطبیقی با دو رویکرد اساسی جامعه دانش و جامعه اطلاعاتی قرار گرفته است.

کلید واژگان: جهانی شدن، بین‌المللی شدن، آموزش عالی، جامعه دانش، جامعه اطلاعاتی.

* مسئول مکاتبات: javdani99@gmail.com

پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۶/۱۹

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۲۱

مقدمه

ارتباط پیچیده میان جهانی شدن و آموزش عالی که گاه برخی از اندیشه‌پردازان، بین‌المللی شدن آموزش عالی را پاسخی بدان تلقی می‌کنند، موضوع قلم‌پردازیهای بی‌پایانی شده است. علاوه بر قلم‌پردازیها، این پدیده که به نظر می‌رسد توافقی کلی و یکپارچه در خصوص مفهوم، آثار و پیامدهای آن وجود ندارد، موجب تغییرات نسبتاً گسترده و گاه کاملاً متفاوتی در نظامهای آموزش عالی جهان شده است. به نظر می‌رسد که بیشتر این تغییرات به ویژه در کشورهای جهان سوم تا حد مسائل مالی و اقتصادی دانشگاهها و آموزشهای فرامرزی که با بهره‌گیری از فناوریهای ارتباطاتی، آموزش از راه دور و مجازی عرضه می‌شود و به ویژه پیدایش تأمین کنندگان آموزش عالی با اهداف سودآورانه فرو کاسته شده است.

در واقع، آشفتگی پیش آمده در عرصه جهانی و از جمله در قلمرو نظامهای آموزش عالی، که موضوع مورد مطالعه این نوشتار است، به نظر می‌رسد که در دو سطح قابل‌کنند و کما و بررسی است. در سطح نخست، چنین به نظر می‌رسد که آنچه موجب آشفتگی در مفهوم پردازی درخصوص این پدیده می‌شود، برآمده از ناهمگرایی در مفاهیمی است که مدارس مختلف فکری با گفتمانها و رویکردهای گوناگون سبب پیدایش آن شده‌اند. در سطح دوم واگرایی میان مفاهیم و کنش است که با شتاب گرفتن فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب سلطه فزاینده خوانشی از جهانی شدن گردیده است که چهار موتور علوم، فنون، صنعت و سود آن را به جلو می‌راند.

این چهار موتور که به تعبیر مورن (Morin, 2006) با اجزای فوق تخصصی‌اش وحدت‌بخش و جدا سازنده، یکسان ساز و تولید کننده نابرابری است، از یک سو موجب افزایش نابرابری در درون ملتها و از سوی دیگر، میان کشورهای توسعه یافته [جایی که ۲۰ درصد از جمعیت جهان ۸۰ درصد از تولیدات را مصرف می‌کنند] و کشورهای توسعه نیافته شده است. چنین خوانش فروکاهنده‌ای^۱ از جهانی شدن که صرفاً بر مبنای «رشد اقتصادی»^۲ و

1. Concept Reductionist/ Reductionist Concept
2. Croissance Economique/Economic Growth

اندیشه‌های ابزارگرایانه مبتنی بر آن که «جهان را می‌توان همچون کالا اداره کرد»^۳، استوار است، در واقع نسبت به کاستیهای چنین فرایندی، به ویژه در میان بسیاری از اندیشه‌پردازان و کنشگران اقتصادی-اجتماعی جهان سومی، نوعی نابینایی ایجاد کرده است.

این کیش پیشرفت^۴ و نوید آینده‌ای رو به پیش که بدون توجه به سنتهای اصیل برآمده از اندیشه و تجربه بشری پیشرفت را صرفاً در محدوده توسعه علوم، فنون و خرد^۵ مفهوم‌سازی می‌کند، بر پایه‌های نظری فردگرایی^۶، فناوری سالاری^۷ و اقتصاددنگی^۸ یا به عبارتی، پولی‌سازی^۹ پی نهاده شده است که ثمره‌اش به تعبیر مورن «رو به پستی نهادن کیفیت زندگی است».

چنین رویکردی به جهانی شدن، که در ادبیات پدید آمده در عصر حاضر و به ویژه از سوی اندیشه‌پردازان دانشگاهی [آکادمیک] به نقد کشیده شده است، دارای سه ویژگی اساسی به شرح زیر است:

- فرو کاستن جهانی شدن تا حد فرایندی صرفاً اقتصادی؛
- محدود ساختن جهانی شدن تا حد بازتولید ایدئولوژی نئولیبرال؛
- اندیشیدن به اینکه جنبش ضد جهانی‌سازی تنها راه رهایی از آن است (Breton and Lambert, 2003:9)

برای روشن‌تر شدن مفهوم سازی درخصوص جهانی شدن و نقش پیامدهای آن بر آموزش عالی نخست بر دیرینه شناسی این پدیده مروری خواهیم داشت.

۳. تعبیری است که ادگار مورن اندیشه‌پرداز معاصر در نقد وضعیت موجود به کار برده است.

4. Culte du Progrès
5. Raison/Reason
6. Individualisme
7. Technologisation
8. Economicization
9. Monétarisation

شاید بتوان دیرینه عصر سیاره‌ای^{۱۰} را از زمانی آغاز کرد که انسان خردورز^{۱۱} در سراسر کره خاکی از جمله در جزایر اقیانوس آرام پراکنده شد؛ یعنی حدود ده هزار سال پیش که «جوامع تاریخی» با نابودسازی بخش زیادی از «جوامع نخستین»، با یک دگردیسی اجتماعی به شهرنشینان برخوردار از کشاورزی، شهر، تقسیم کار، طبقات اجتماعی، جنگ، برده‌داری، مذاهب و تمدنهای بزرگ تبدیل شدند.

به روایتی تاریخی در پایان سده پانزدهم میلادی مینگها^{۱۲} در چین و مغولها در هند مهم‌ترین تمدنهای کره زمین به شمار می‌آمدند. دین اسلام در آسیا و آفریقا گسترش می‌یافت و گسترده‌ترین دین به شمار می‌رفت. در آمریکا نیز امپراطوری اینکا^{۱۳} و آزتک^{۱۴} از شکوه خاصی برخوردار بودند؛ ملت‌های جوان اروپایی در پایتخت‌های مادرید، لیسبون پاریس و لندن درصدد کشورگشایی بودند و از طریق ماجراجویی، جنگ و کشتار موجب پیدایش «عصر سیاره‌ای»^{۱۵} شدند.

از سوی دیگر، افرادی نظیر کلمب^{۱۶}، ماژلان^{۱۷} و واسکو دوگاما^{۱۸}، تاریخ نوینی را گشودند که جهانی شدن دگرگونه‌ای را پدید آورد. بدین ترتیب، دو پدیده «جهانی شدن»^{۱۹} شکل گرفت که یکی از سلطه، استعمار و گسترش غرب حکایت داشت و دیگری بر مبنای اندیشه‌های انسان‌گرایانه، رهایی بخشی، بین‌المللی و آگاهی جمعی بشری شکل گرفت. نتیجه پیدایش این دو گونه جهانی شدن نیز در فرایند تاریخی به خوبی دیده می‌شود. اولی به جهانی شدن سلطه

۱۰. Age Planétaire، واژه سیاره‌ای شدن از نظر ریشه شناختی به مفهوم «سرگردان» است. بدین معنا که انسان سرگشته، پریشان و بدون مقصدی خاص، همچون ماجرای افسانه «ادیسه» (odydedeus) به مفهوم بشریت سرگردان است.

11. Homo Sapien
12. Les Mings
13. Inca
14. Aztèque
15. l'ere Planétaire
16. Colomb
17. Magellan
18. Vasco de Gama
19. Globalisation/Globalization

سیاسی استعمار انجامید که امروزه آثار آن را در سلطه اقتصادی، مالی و فن سالاری به نظاره نشسته‌ایم و دومی با خرد انتقادی پدیدآمده در درون تمدن غربی در حال گسترش آغاز شد. کوبو و کرافورد (Kubow and Crawford, 2001: 98) نیز دیرینه مفهوم جهانی شدن را به هزاره‌های پیشین تاریخ بشریت استناد می‌دهند و در این زمینه می‌نویسند:

«دیرینه جهانی شدن به بلندای تمدن بشری است. تقریباً ۲۰۰۰ سال پیش مارکوس ارلیوس^{۲۰} می‌نویسد: من به عنوان مارکوس ارلیوس شهروندی رمی هستم، اما به مثابه انسان شهروندی جهانی هستم.»

جهانی شدن در آموزش عالی: بین‌المللی شدن دانشگاهها: به هر حال، جهانی شدن در فرایند تاریخی خود و در عرصه‌های مختلف مسائل جوامع بشری با تحولاتی همراه بوده است. در قلمرو آموزش عالی، اگر چه دانشگاهها از اوان شکل‌گیری جنبه‌هایی از جهانی شدن را با خود داشته‌اند، اما این مفهوم در عصر حاضر ابعادی گسترده‌تر و ژرف‌تری یافته است. به گونه‌ای که بسیاری از اندیشه‌پردازان بازنمود پدیده پیچیده جهانی شدن در آموزش عالی را بین‌المللی شدن دانشگاهها توصیف کرده‌اند (Scott, 1998; Enders and Fultom, 2002; Vander Wende, 2002; Teichler, 2004, Rosenbit et al., 2007, Stromquist, 2007).

استروم کیست با به هم آمیختن دو مفهوم جهانی شدن و بین‌المللی شدن آن را چالشی برای ورود دانشگاهها به عرصه رقابتهای جهانی تلقی می‌کند و بر این باور پای می‌فشارد که در سطوح دانشگاهی، جهانی شدن از سوی اندیشه پردازان دانشگاهی به «بین‌المللی شدن» تعبیر می‌شود که نه تنها بر برنامه‌های دانشگاهی، اعضای علمی و دانشجویان تأثیر می‌گذارد، بلکه حتی موجب تغییرات ساختاری نیز می‌شود (Stromquist, 2007: 81).

اما آنچه شاید مهم‌تر از واژه جهانی شدن - بین‌المللی در نهادهای تولید علم جهانی است، سمت و سوی این تغییرات است. به گونه‌ای که ریزوی، استاد دانشگاه ایلینویز^{۲۱} که مدیریت مطالعات جهانی در برنامه‌های آموزشی را بر عهده دارد، در این زمینه می‌نویسد:

«آموزش به گونه‌ای ژرف در فرایند کنونی جهانی شدن درگیر شده است. اگر چه هنوز توافق اندکی در خصوص مسیری که جهانی شدن را به سیاستهای آموزشی و عملکرد آن پیوند می‌زند وجود دارد، اما این موضوع ورد زبان اندیشه‌پردازان آموزشی شده است. بخشی از این کمبود توافق ناشی از این واقعیت است که جهانی شدن مفهومی پرمجاده است که برای در بر گرفتن تمام قلمروهای گفتمانهای آکادمیک و مردمی به کار برده می‌شود. جهانی شدن مفهومی است که تقریباً برای تشریح بسیاری از جنبه‌های زندگی معاصر به کار برده می‌شود: از مسائل حاشیه‌ای سرمایه‌داری کنونی گرفته تا کاهش قدرت ملت-دولتها، اوج‌گیری سازمانها و شرکتهای فراملی، پیدایش فرهنگ جهانی که به چالش با سنتهای بومی می‌پردازد و انقلاب اطلاعات و ارتباطات که موجب چرخش سریع اندیشه‌ها، پول و مردم شده است. واژه «جهانی‌شدن» به پوششی بدل شده که در برگیرنده برخی از تغییرات است که موجب دگرگونی جهان در طول سه دهه اخیر شده است» (Rizi, 2007: 56).

تأملی بر مفهوم سازیهای انجام شده از یک سو، می‌تواند نشان دهنده ابهام در مفهوم پردازی در خصوص جهانی شدن- بین‌المللی شدن باشد و از سوی دیگر، جریان دستکم دوگانه‌ای را در مفهوم سازیها نشان می‌دهد که برای تبیین آنها ادبیات و واژه پردازی نوینی نیز شکل گرفته است. بر چنین مبنایی است که برخی از اندیشه‌پردازان این قلمرو، آموزش و نهادهای آموزش عالی در جهان را به دو دسته متمایز تقسیم می‌کنند: ۱. «آموزش آزاد»^{۲۲} و پرورش ماهیت بشری که اهداف عالی برخی نهادهای آموزش عالی را تشکیل می‌دهد؛ ۲. مهارت آموزی حرفه‌ای^{۲۳} و پاسخگویی به تقاضای بازار که شکل دهنده ماهیت برخی دیگر از نهادهای آموزش عالی است (Rosenbilt et al., 2007:376).

بازتاب این دوگانگی در اهداف و کارویژه‌های نهادهای آموزش عالی را می‌توان به خوبی در فرایند مفهوم بین‌المللی شدن پی گرفت. از جمله جونز بر این باور است که «بین‌المللی‌گرایی»^{۲۴} متفاوت از «بین‌المللی شدن»^{۲۵} است. او می‌اندیشد که بین‌المللی شدن

-
21. Illinois
 22. Liberal Education
 23. Professional Training
 24. Internationalism

جهانی شدن و آموزش عالی، گسست میان نظریه تا کنش: راهبردهایی ... ۱۱۳

مفهوم مشترکی از اجتماع جهانی^{۲۶}، همکاری بین‌المللی و علایق مشترک بین‌المللی است و ابعاد بین‌المللی «کالایی مشترک»^{۲۷} است که در برگزیده ارتقای صلح جهانی و بهزیستی است (Jones, 2000: 31).

پاپا استفانو (Papastephanou, 2005) ضمن تمایز قایل شدن میان جهانی شدن به مثابه پدیده‌ای تجربی و نظری و ابهام در مفهوم‌سازی آن، مفاهیمی را که جهانی شدن می‌تواند در برداشته باشد بر مبنای تعریفی که از شهروند جهانی ارائه می‌شود، تدوین می‌کند و در این خصوص به سه رویکرد اشاره دارد:

- رویکرد شهروند جهانی نتولیبرال^{۲۸} (مشارکت فعالانه در یگانه بازار جهانی سرمایه‌داری)؛
- رویکرد شهروند جهانی بنیادگرا^{۲۹} (چالشگر در مقابل حکومتها و ساختارهای شرکتی)؛
- رویکرد شهروند جهانی دگرگون‌ساز^{۳۰} (تلاش برای برقراری ارتباط و همبستگی با جامعه بشری عادلانه، مردم سالار و پایدار).

دیم، با نگرشی متفاوت به تفکیک چهار مفهومی می‌پردازد که در عصر حاضر نظامهای آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اگر چه دیم به روابط درونی و متقابل این چهار مفهوم اشاره‌ای ندارد، اما در واقع، چهار مفهوم او را می‌توان در دو مفهوم جهانی شدن و بین‌المللی شدن خلاصه کرد. این چهار مفهوم به طور خلاصه عبارت‌اند از:

جهانی شدن: گسترش جهانی تجارت خدمات به مثابه کلید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازار جهانی؛

بین‌المللی شدن: مشارکت اندیشه‌ها، دانش و راهی برای انجام دادن کار مشابه در کشورهای متفاوت؛

نوگرایی مدیریتی^{۳۱}: گسترش عملکرد تجاری و اندیشه‌های بخش خصوصی در نهادهایی که توسط بخش عمومی تأمین مالی می‌شوند؛

-
25. Internationalization
 26. Global Community
 27. Common Good
 28. Neo Liberal Global Citizen
 29. Radical Global Citizen
 30. Transformational Global Citizen

کارآفرینی در آموزش عالی: موقعیتی که اعضای علمی و اداری می‌کوشند با بنگاهی ساختن فعالیت‌های خود منابع بخش خصوصی را به خود جلب کنند (Deem, 2001: 7).

بی‌مناسبت نیست که در اینجا به مفهوم «سرمایه‌داری آکادمیک»^{۳۲} که برخی از اندیشه‌پردازان آن را از نتایج جهانی شدن-بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها می‌دانند نیز اشاره شود. این مفهوم، که گاه مفاهیمی نظیر کارآفرینی در آموزش عالی را نیز در پی دارد، در واقع، نشان‌دهنده تغییرات در اهداف و کارویژه‌های دانشگاه است که به جای به «دنبال حقیقت بودن» دانشگاه را دنباله‌رو صنعت و بازار می‌کند؛ بدین معنا که بخش صنعت و بازار با استفاده از اهرم مالی دانشگاه را به انقیاد خود در می‌آورند.

به هر حال، همان‌گونه که بسیاری از اندیشه‌پردازان این قلمرو تأکید می‌کنند، بدون داشتن فهم درست و روشنی از این مفاهیم [جهانی شدن-بین‌المللی شدن آموزش عالی] نمی‌توان به بررسی آثار و پیامدهای مفهومی گنگ و در نتیجه، کنشی مناسب در قلمرو آن پرداخت. موک برای برخورداری از فهم روشن و درست از این مفاهیم و سپس، به عرصه کنش وارد شدن پرسشهای زیر را مطرح می‌کند:

- آموزش عالی باید به سود چه کسی بین‌المللی شود؟
- آموزش عالی برای چه هدفی بین‌المللی شود؟
- چرا بین‌المللی شدن باید به مثابه دستور کار اصلی دانشگاه معاصر قرار گیرد؟
- آیا بین‌المللی شدن برای دانشجویان و سایر ذینفعان جامعه اهمیت دارد؟
- هدف وجودی دانشگاههای کنونی چیست؟
- ما چه نوع آموزش دانشگاهی را باید باور داشته باشیم و خود را نسبت به آن متعهد بدانیم؟ (Mok, 2007: 437).

پاسخ به پرسشهایی از این دست، به ویژه دو پرسش آخر، نیازمند کندوکاو در لایه‌های عمیق‌تری از مفاهیم است، چرا که پاسخگویی به چنین پرسشهایی در پارادایمهای گوناگون می‌تواند بسیار متفاوت و ناهمگرا باشد.

واقعیت این است که به رغم فشار زیاد برای بین‌المللی شدن آموزش عالی هنوز مفهوم‌سازی مشترک و یکسانی در این زمینه شکل نگرفته است. نایت به درستی در این زمینه می‌نویسد: «ملتهای مختلف درک و معانی مختلفی از بین‌المللی شدن آموزش دارند و در هم آمیختگی بسیاری در باره مفهوم آن وجود دارد» (Knight, 2004: 5). تیچلر (Teichler, 2004) نیز می‌اندیشد که بسیاری از مردم یا دولت‌ها در باره اینکه «سازیه‌ها»^{۳۳} برای آنها چه مفهومی دارند، آگاه نیستند. با توجه به این موضوع، دو ویت (De Wit, 2006) به مردم هشدار می‌دهد که «پیچیدگی بین‌المللی شدن آموزش عالی را بیش از حد ساده تصور نکنند، چرا که برخی ممکن است تصویری که از این مسئله دارند به توان جا به جایی^{۳۴} دانشجویان و اعضای علمی محدود باشد و برخی دیگر نیز به مبادله دانش در میان کشورها از طریق راههای گوناگون توافق دارند [برای نمونه، ام. آی. تی برنامه‌های درسی خود را به صورت رایگان و بر خط ارائه می‌دهد]. برخی نیز ممکن است آن را فرایندی برای تغییر در برنامه‌های درسی تلقی کنند.» (Mok, 2007:436) در حالی که آنچه را بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان به لحاظ سر ریز شدن عرضه آموزش عالی خودشان دنبال می‌کنند، دستیابی به بازارهای جهانی آموزش عالی است و از این رو، به بین‌المللی شدن دانشگاه بیشتر با دیدگاهی اقتصادی می‌نگرند و قرار دادن آموزش، در چارچوب گاتز، همچون سایر خدمات ناشی از این فشار بازار جهانی است. راجر گودمن^{۳۵} در آخرین مقاله‌اش در خصوص مفهوم «کوکو سایکا» در زبان ژاپنی را [که اغلب به بین‌المللی شدن برگردان شده است] و واژه‌های مربوط به آن را از اواسط دهه ۱۹۸۰ بررسی کرد. گودمن استدلال می‌کند که جهانی شدن به مد روزترین مفهوم در گفتمان علوم اجتماعی در ۱۵ سال گذشته بدل شده است و مجموعه‌ای از واژه‌ها نیز همراه با این واژه مورد استفاده قرار می‌گیرند، از جمله «فراملیتی شدن»^{۳۶}، «مک دونالدی شدن»^{۳۷}، «کوکا کولایی شدن»^{۳۸}، «بومی شدن»^{۳۹} و «جهانی-بومی شدن»^{۴۰}. اما در استفاده از این واژگان بیشتر به

33. Zation

34. Mobility

35. Roger Goodman

36. Transnationalism

37. Mc Donaldization

38. Cocacolonization

جنبه‌های چگونگی استفاده از آنها در یک متن نظری و برخوردار از تحرک بیشتر در روش شناختی توجه شده است و توافق اندکی در زمینه مفاهیم آن وجود دارد (Gillén, 2001; Eriksen, 2003; Rosenau, 2003). با وجود این، او اشاره می‌کند که وفای محدودی در باره معنای دقیق هر یک از این مفاهیم جدید وجود دارد. نتیجه چنین شرایطی به وضعیتی انجامیده است که ویکتور ترنر (Victor Turner, 1974) انسان شناس آن را «نماد آوای چندگانه»^{۴۱} می‌نامد. این نمادها ممکن است در محیط‌های گوناگون و از سوی کنشگران مختلف به گونه‌های متفاوتی تفسیر و در بعضی مواقع می‌توانند به مرکز کشمکش تبدیل شوند، به طوری که هر ذی نفعی برای اینکه تفسیر مورد قبولش به عنوان تفسیر حاکم قبول شود، رقابت می‌کند.

پرسشهای پژوهش: دلیل اصلی پرداختن به این موضوع در مطالعات مقدماتی تدوین برنامه پنجم ناشی از آثاری است که این پدیده در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با عنوان «توسعه دانایی محور» داشته است. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است تا حد امکان به پرسشهای اساسی زیر پاسخ داده شود:

- جهانی - بین المللی دانشگاهها چه مفاهیم و رویکردهایی را در بر دارد؟
- آیا میان نظریه پردازی و کنش در این قلمرو واگرایی وجود دارد یا همگرایی؟
- پدیده جهانی - بین المللی شدن دانشگاهها چه واکنشهایی را در عرصه نظامهای آموزش عالی دولت - ملتها ایجاد کرده است؟
- دانشگاهها در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه با چه رویکردها و کنشهایی با این پدیده روبه رو شده‌اند؟
- نهادهای تأثیرگذار جهانی نظیر بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت، یونسکو و ... چگونه این پدیده را مفهوم سازی می‌کنند و چگونه در عرصه کنش ظاهر می‌شوند؟
- نظام آموزش عالی ایران در زمینه جهانی - بین المللی شدن در چه وضعیتی به سر می‌برد.

39. Localization

40. Glocalization

41. Multivocal Symbol

پاسخ به این پرسشها در بخش یافته‌های این نوشتار به تفکیک آورده شده است. در جدول ۲ چکیده‌ای از این وضعیت به صورت تطبیقی با در نظر گرفتن وضعیت آسیب شناختی نظام آموزش عالی ارائه شده است.

روش پژوهش

به دلیل چند بعدی بودن و پیچیدگی این مطالعه در بخشهای مختلف آن از روش شناسیهای متفاوتی به شرح زیر استفاده شده است:

اسنادی - کتابخانه‌ای: این روش شناسی در مطالعات نظری، دیدگاهها و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی، تجربه‌های کشورها و دانشگاههای برتر جهان مورد استفاده قرار گرفته است.

تحلیل محتوا: در جمع بندی تجربه‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و بررسی بیانیه‌های مأموریت و برنامه‌های راهبردی دانشگاههای برتر جهان، با در نظر گرفتن مقولات متناسب با هر یک از تحلیل روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

مطالعه تطبیقی: از این روش شناسی نیز بر حسب مورد در مراحل مختلف پژوهش از جمله بررسی دیدگاهها و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی، بررسی تجربه‌های کشورها، بررسی عملکرد دانشگاههای برتر جهان و در جمع بندی که در جدول ۲ بازتاب یافته است، استفاده شده است.

فرا تحلیل: با توجه به گستره فراخ منابع مورد استفاده و فزونی یافته‌ها، انجام یافتن فراتحلیل گریز ناپذیر به نظر می‌رسید. بنابراین، از این روش شناسی به ویژه در آسیب شناسی وضعیت آموزش عالی ایران بر مبنای پژوهشهای ایرانی و اثرهای کاربست موافقتنامه عمومی تجارت خدمات که در برگزیده طیف گسترده‌ای از نظریات بود، استفاده شده است و چکیده یافته‌های آن در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

یافته‌ها

با توجه به گستره فراخ یافته‌های این مطالعه، به منظور گزیده نویسی تلاش می‌شود این یافته‌ها با اختصار هر چه بیشتر و به ترتیب نگاشته شوند.

یافته‌های مربوط به نهادهای بین‌المللی

یونسکو

عرصه مفهومی: در مطالعات و مفاهیم نظری که از سوی یونسکو و مدیران آن انتشار می‌یابد، به خوبی میان جامعه دانش^{۴۲} و جامعه اطلاعاتی^{۴۳} که بر مبنای دو رویکرد کاملاً متفاوت -اگر نگوییم متضاد- تمایز قایل می‌شوند و بر جامعه دانش به مثابه رویکردی قابل قبول در تفسیر جهانی شدن بین‌المللی شدن - تأکید می‌شود. به گونه‌ای که حتی جان دانیل^{۴۴} بر مفهوم «کمونیسم علمی» به مثابه برترین سنت دانشگاهی اصرار می‌ورزد و از آموزش عالی به مثابه «کالای عمومی جهانی» یاد می‌کند.

عرصه کنش: در این عرصه یونسکو با دوگانگی شگفت‌آوری به این موضوع می‌پردازد و در اسناد رسمی و برنامه‌های عملی خود توصیه‌هایی می‌کند که جهت وارونه مفاهیم نظری را طی می‌کند. بدین ترتیب، کشورهای عضو و به ویژه کشورهای در حال توسعه را به «آزادسازی»^{۴۵} به مفهوم «خصوصی سازی»^{۴۶} «تجاری سازی»^{۴۷} و «کالایی سازی» و «یکسان‌سازی» که به «سرمایه‌داری آکادمیک»^{۴۸} می‌انجامد، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم ترغیب می‌کند.

بانک جهانی

بانک جهانی نیز در زمینه مفهوم‌سازی در قلمرو «جهانی شدن آموزش عالی» بر نکاتی اساسی نظیر تأکید بر «جنبه‌های اجتماعی و انسانی آموزش»، «آموزش عالی به مثابه کالای عمومی جهانی»، «بهینه ارزیابی نکردن سرمایه‌گذاری خصوصی در آموزش عالی»، «نقش آموزش عالی در توسعه پایدار»، «افزایش شکاف دیجیتالی»، «افزایش نابرابری در دسترسی و نتایج

42. Knowledge Society

43. Information Society

44. John Daniel

45. Liberalisation de l'enseignement Supérieur/Liberalization of Higher Education

46. Privatisation de l'enseignement Supérieur/ Privatization of Higher Education

47. Commercialisation de l'enseignement Supérieur/ Commercialization of Higher Education

48. Capitalism Académique/Academic Capitalism

آموزش عالی»، «مسئله کیفیت و تناسب آموزش عالی» تأکید می‌کند تا جایی که شاهد چرخش سیاستهای بانک جهانی از سرمایه‌گذاری در آموزش پایه و متوسطه به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی هستیم. اما در عرصه کنش، سمت و سوی این تغییر سیاستها با مفاهیم نظری واگرایی زیادی را نشان می‌دهد و دیدگاه کلی این بانک و در نتیجه، سیاستهای اجرایی آن رویکرد اقتصاد محور مبتنی بر راهبردهای رشد که به شدت ابزارگرایانه است، دنبال می‌شود.

سازمان جهانی تجارت^{۴۹}: موافقتنامه عمومی تجارت و خدمات^{۵۰}

این سازمان جهانی نیز اگر چه در عرصه مفهومی بر کاهش فقر در سطح جهان تأکید می‌ورزد، اما با تلاش برای عمومیت بخشیدن به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، که در آن آموزش عالی نیز همچون سایر خدمات باید فرایند کالایی سازی و تجاری سازی را طی کند، در واقع، مسیر را برای به اجرا درآوردن آرمانهای ایدئولوژی نئولیبرال هموار می‌سازد.

در جدول ۱ که بر مبنای فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه ارزیابی این موافقتنامه در عرصه جهانی انجام شده است، نقاط مثبت و منفی کاربست این موافقتنامه بازتاب یافته است.

جدول ۱- فراتحلیلی از اثرهای کاربست موافقتنامه عمومی تجارت خدمات

منفی	مثبت
<ul style="list-style-type: none"> • خطر افت کیفیت و اعتبارسنجی • افزایش نابرابری در دسترسی به آموزش عالی • تهدید و تحدید نظامهای ملی آموزش عالی • ایجاد فرصت برای مسئولیت‌گریزی بخش عمومی در انجام دادن کارویژه‌های اصلی آن • کاهش و یا از میان رفتن سنتهای دیرین آکادمیک از جمله همکاریهای علمی غیرتجاری • مک دونالدی شدن نظامهای آموزش عالی و کاهش تنوع و تکثر و نوآوری در دانش بشری • به خطر افتادن «اموال عمومی جهانی» • به خطر افتادن استقلال نهادی، آزادی آکادمیک و امنیت شغلی • کاهش انگیزه در اجرای پژوهشهای بنیادی • کاهش انگیزه در اجرای کارویژه «خدمات اجتماعی» دانشگاهها • همسویی دانشگاه با تقاضای ابزارگرایانه بازار • سلطه تجارت بر نظامهای آموزش عالی 	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش کمی دسترسی به آموزش عالی • جذب سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی • افزایش تحرک دانشجویان و اعضای هیئت علمی • تجاری سازی و افزایش منابع بخش آموزش عالی

منبع: Source: Javdani, 2008: 129

49. Organisation Mondiale de Commerce/World Trade Center (WTO)

50. Accord Général sur le Commerce des Services (AGCS)/General Agreement of Trade in Services (GATS)

یافته‌های مربوط به تجربه‌های جهانی

اتحادیه اروپا

بر مبنای مطالعات و اسناد انتشار یافته از سوی اتحادیه اروپا، از جمله بیانیه بلونیا، کشورهای اروپایی عضو این اتحادیه بیش از آنکه به فرایند جهانی شدن با رویکردی اقتصادزده بیندیشند، به بین‌المللی شدن دانشگاه‌های اروپایی نظر دارند که به مفهوم افزایش تحرک دانشجویان و استادان در قاره اروپاست که موجب افزایش تنوع، کثرت‌گرایی و رواج دگراندیشی و در نتیجه، نوآوری می‌شود. چنین فضایی به طور طبیعی افزایش جذب اندیشمندان و دانشجویان خارجی به این دانشگاهها را در پی دارد.

تحلیل محتوای بیانیه‌های این اتحادیه پیش نیازهای ورود به قلمرو بین‌المللی شدن را چنین برمی‌شمارند: ۱. افزایش کیفیت برنامه‌های آموزشی به گونه‌ای که دستکم قابل رقابت در عرصه منطقه‌ای باشند؛ ۲. تنوع بخشی به نهادهای آموزشی برای افزایش توان همگرایی ساختاری؛ ۳. لزوم برخورداری از انعطاف‌پذیری نظام ملی آموزش عالی؛ ۴. ضرورت گسترش همکنشی‌های بین‌المللی؛ ۵. مشخص شدن وضعیت بخش عمومی و خصوصی در بخش آموزش عالی.

ایالات متحده آمریکا

برنامه‌ریزان آموزشی ایالات متحده آمریکا حدود چهار دهه است که در اندیشه جهانی - بین‌المللی سازی نظام آموزش عالی خود هستند. برای اجرای یافته‌های این مطالعات، آنها نقش دولت مرکزی، دولتهای ایالتی و حتی بخش خصوصی را به برنامه‌ریزیهای کلان و تأمین و تخصیص منابع مناسب برای آموزش محدود کرده‌اند و دانشگاهها و حتی دیگر مراکز آموزشی در فرایند جهانی - بین‌المللی از استقلال بیشتری برخوردار خواهند بود. علاوه بر این، سالانه مبلغ ده میلیارد دلار برای اصلاح نظام آموزشی در مسیر جهانی شدن صرف می‌شود.

ایالات متحده بر تغییر نگرشها، ارزشها و باورها و تغییر سپهر اندیشه‌ای نظام آموزشی خود پای می‌فشارد و در واقع، به نوعی «توسعه سازمانی» در این نظام می‌اندیشد: گنجاندن آموزش جهانی در برنامه‌های آموزشی، افزایش آموزش ضمن خدمت آموزشگران، انجام دادن

پژوهشهای آموزشی در زمینه آموزش جهانی، پرداخت حقوق مناسب به آموزشگران، حفظ شئون اجتماعی آموزشگران و در اختیار داشتن فناوریهای نوین ارتباطاتی و استفاده بهینه از آن.

کشورهای در حال توسعه: تایوان، چین، ژاپن، سنگاپور و مالزی

عمده‌ترین گرایشهای تغییر در کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه در مسیر جهانی - بین‌المللی شدن دانشگاههای آنها، که بر مبنای تحلیل محتوای مفهومی مطالعات و اسناد انتشار یافته [در حد دسترسی به آنها] انجام شده است، نشان دهنده موارد زیر است:

- تغییرات عمدتاً از بالا به پایین است؛
- گرایش به تغییرات مدیریتی و ساختاری در دانشگاههای کشورهای آسیایی تمایل به از میان برداشتن الگوهای مدیریت مشارکتی و جایگزین کردن الگوهای مدیریت اقتدارگرا و دیوانسالار دارد؛

- کاهش بار مالی دولت؛

- مسیر رقابت پذیری: تقلید و کپی کردن؛

- تغییر در راهبردهای آموزشی و یادگیری؛

- «توسعه تمامیت فردی»؛

- «تفکر خلاق و نقاد»؛

- «مسئله محور ساختن آموزش».

فرا تحلیل ارزیابیهای کیفی وضعیت نظامهای آموزش عالی کشورهای یاد شده در فرایند

جهانی شدن بیانگر نکات زیر است:

- ناهمگرایی میان اهداف حکومت و اعضای علمی دانشگاهها؛

- نبود تفاهم و ارجاع در مفهوم جهانی شدن - بین‌المللی شدن؛

- نامتناسب بودن تغییرات با زمینه‌های موجود در دانشگاههای این کشورها؛

- ناهمسویی میان برنامه‌ریزان ملی آموزش و اعضای علمی؛

- فرایند تصمیم‌گیری از بالا به پایین و نبود یا کمبود مشارکت ملی؛

- فشارهای ناشی از نظام حاکم اقتصادی جهان بر این کشورها و ...

یافته‌های مربوط به تجربه‌های دانشگاه‌های برتر جهان^{۵۱}

تحلیل محتوای بیانیه‌های مأموریت ده دانشگاه برتر جهان که بر مبنای رتبه، اهداف و مأموریتها، کارویژه‌ها، رویکردها و راهبردهای آموزش و یادگیری و بالاخره، عرصه کنش دانشگاه‌های مورد مطالعه انجام شده است، نشان دهنده یافته‌های زیر است:

- دنبال کردن مسیر دیرینه دانشگاه؛ یعنی دستیابی به حقیقت یا به عبارت بهتر، حقیقتها؛
- دنبال کردن اهداف و مأموریتها بر مبنای سه کارویژه آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی؛
- اولویت دادن به آموزش و پژوهش در جهت منافع بومی و محلی و در عین حال، خدمت به جامعه و حفظ منافع عمومی جهانی؛
- تأکید بر رویکردهای آموزشی و یادگیری همچون اندیشه‌های دگرگون‌ساز و نقاد، ترویج روحیه پرسشگری، مبادله آزاد اندیشه، تنوع‌گرایی، کثرت‌گرایی، آزادی و کاوش باز، رشد تمامیت فردی، آزادی و مسئولیت‌پذیری، رویکرد میان‌رشته‌ای، رفع هر گونه تبعیض و احترام به نوع بشر، حفظ محیط زیست و ...

یافته‌های کلی و وضعیت آموزش عالی ایران در فرایند جهانی شدن - جهانی سازی:

رویکردی آسیب‌شناختی

در جدول ۲ چکیده مطالعات نظری و تجربی گردآوری شده است که می‌تواند در زمینه ناهمگرایی دو مفهوم جهانی شدن بین‌المللی شدن در دو پارادایم جامعه دانش و جامعه اطلاعاتی را ارائه کند. به علاوه، در این جدول وضعیت آموزش عالی ایران که بر مبنای فراتحلیلی از مطالعات پژوهشی استخراج شده است، تصویری نسبتاً روشن از وضعیت نظام آموزش عالی ایران در فرایند جهانی شدن بین‌المللی شدن ارائه شده است. تلاش شده است تا در جدول ۲ مفاهیم جهانی شدن - جهانی سازی آموزش عالی بر مبنای گستره وسیعی از متغیرهای اساسی که در برگزیده مفاهیم بنیانی نظامهای آموزش عالی است، گنجانده شوند.

۵۱. برای آگاهی بیشتر به جدولهای تحلیل محتوا شماره ۹ تا ۱۲، طرح پژوهشی «بررسی الزامات جهانی شدن و چالشهای اساسی پیش روی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری» مراجعه شود.

جدول ۲- مقایسه وضعیت کنونی آموزش عالی در فرایند جهانی سازی، جهانی شدن

مفهوم	جامعه دانش در پارادیم بین المللی شدن	جامعه اطلاعاتی در پارادیم بین المللی سازی	وضعیت آموزش عالی ایران در فرایند جهانی شدن / جهانی سازی با رویکرد آسیب شناختی
رویکردهای آموزش و یادگیری	<ul style="list-style-type: none"> آزادی علمی تفکر خلاق و نقاد دگر اندیشی تأکید بر تنوع و تکثر کالای عمومی اخلاق و منش آکادمیک آموزش دانشجو محور آموزش مبتنی بر پژوهش 	<ul style="list-style-type: none"> علم در اختیار بازار صنعت (کاربردی) تفکر کاربردی و سود جویانه تأکید بر همسان سازی (مک دونالدی) و یکسان اندیشی استاندارد سازی کالای خصوصی اخلاق و منش بازار مهارت آموزی آموزش مبتنی بر فناوری 	<ul style="list-style-type: none"> فاقد فلسفه و رویکرد آموزشی یاددهی به جای یادگیری افزایش حجم دانش ناکارآمد به جای افزایش مهارت یادگیری ناکارآمد در مقابل حل مسئله غیرکاربردی و غیرآکادمیک بودن آموزش علم در انقیاد دیوانسالاری دولتی آموزش برای کسب مدرک آموزش استاد محور آموزش کالای دولتی
تعهدات اجتماعی و فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> همکنشی اجتماعی در عرصه جهانی انسجام اجتماعی حفظ محیط زیست، سلامت و بهداشت تنوع و تکثر فرهنگی انسان اندیشمند گفتگوی تمدنها آزادیهای بنیادی 	<ul style="list-style-type: none"> کنش فردی و ابزاری رقابت اقتصادی تلاش برای افزایش رشد و بهره‌وری یکسان سازی و همسان سازی فرهنگی انسان اقتصادی تخاصم تمدنها آزادیهای اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> کسب مدرک بالاتر بی‌هنجاری بی هدفی رقابت مدرکی تلاش برای نمره برتر کپی برداری منولوگ تمدنها انسان با مدرک تلاش برای دستیابی به محیط اجتماعی مناسب‌تر
دانشجو	<ul style="list-style-type: none"> بازیگر عرصه دانش و ذی نفع آن یادگیرنده، پرسشگر خلاق و نقاد و توانمند توسعه تمامیت فردی رهبران آینده جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> مشتری و صاحب سرمایه ماهر و کارآمد توسعه مهارتهای فنی فردی کارگران آینده بازار 	<ul style="list-style-type: none"> برنده در عرصه رقابت کنکور حافظ دانش نه چندان روز آمد کپی بردار ماهر در تست زنی بیکار آینده
استاد	<ul style="list-style-type: none"> عامل و واسطه تولید دانش در جستجوی حقیقت همراه و در کنار دانشجو 	<ul style="list-style-type: none"> مقاطعه کار و دلال دانش در جستجوی بنگاه و پول همراه و در کنار سرمایه دار 	<ul style="list-style-type: none"> یاددهنده دانش نه چندان روزآمد در جستجوی ارتقای رتبه اداری بالاسر دانشجو
دانشگاه	<ul style="list-style-type: none"> نهاد عمومی در خدمت جامعه و جهان 	<ul style="list-style-type: none"> نهاد خصوصی در خدمت بازار و تولید سود بنگاه دانش 	<ul style="list-style-type: none"> نهادی دولتی یا نیمه دولتی در خدمت تولید مدرک دبیرستانی بزرگ‌تر
آموزش عالی	<ul style="list-style-type: none"> کالای عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> کالای خصوصی 	<ul style="list-style-type: none"> کالایی بی هویت

<ul style="list-style-type: none"> ● برای دستیابی به محیط اجتماعی بازتر ● در مسیر منافع فردی و شخصی ● با قابلیت گسترش پذیری ● انبار ذخیره بازارکار ● نهاد به تأخیر انداختن تقاضای کار 	<ul style="list-style-type: none"> ● برای به دست آوردن شغل ● در مسیر منافع بنگاه ● با قابلیت گسترش پذیری ● ابزاری برای ایجاد رقابت اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> ● برای جامعه‌پذیری و خدمات اجتماعی ● در مسیر منافع ملی و جهانی ● قابلیت توسعه پذیری ● ابزاری برای ایجاد عدالت اجتماعی 	
<ul style="list-style-type: none"> ● پردیس دانشگاه بی‌نیاز از تعامل با سایر نهادی ملی و بین‌المللی، درون‌نگر و درون‌نگرا 	<ul style="list-style-type: none"> ● آزادی کنشگران نوین ● تأمین‌کننده آموزش عالی 	<ul style="list-style-type: none"> ● تعامل آزاد نهادهای علمی ● در عرصه ملی بین‌المللی 	<ul style="list-style-type: none"> ● عرصه‌کنش جهانی
<ul style="list-style-type: none"> ● صف ستاد دولتی آموزش عالی ● در انقیاد بخش غیردولتی ● خودگردانی مالی 	<ul style="list-style-type: none"> ● دانشگاه به مثابه کارگزار (کارآفرین) بازار و صنعت، مستقل از نهادهای بخش عمومی، در انقیاد بخش خصوصی 	<ul style="list-style-type: none"> ● دانشگاه به مثابه خرد ● منفصل جامعه و برخوردار از استقلال نهادی 	<ul style="list-style-type: none"> ● استقلال نهادی
<ul style="list-style-type: none"> ● بی‌نیاز از پاسخگویی به ذینفعان، جامعه و بازار 	<ul style="list-style-type: none"> ● محاسبه‌گری جایگزین ● پاسخگویی به بازار و صنعت 	<ul style="list-style-type: none"> ● پاسخگو به جامعه و نیازهای آن 	<ul style="list-style-type: none"> ● پاسخگویی
<ul style="list-style-type: none"> ● بهره‌گیری از درآمد خانوارها 	<ul style="list-style-type: none"> ● شرکتی شدن، تجاری سازی دانش و آموزش، همراهی با شرکتهای تأمین آموزش عالی و ... ● وامهای بین‌المللی 	<ul style="list-style-type: none"> ● بهره‌گیری از سرمایه‌های خیرخواهانه و غیر انتفاعی 	<ul style="list-style-type: none"> ● تنوع بخشی به منابع مالی
<ul style="list-style-type: none"> ● در گسترش بی‌رویه دسترسی در بخش دولتی و غیر دولتی 	<ul style="list-style-type: none"> ● در عرصه تولید سود و کسب درآمد 	<ul style="list-style-type: none"> ● در نوآوری در اندیشه 	<ul style="list-style-type: none"> ● رقابت پذیری
<ul style="list-style-type: none"> ● دیوانسالار سنتی 	<ul style="list-style-type: none"> ● دیوان سالار، سیاسی و بازار 	<ul style="list-style-type: none"> ● مشارکتی و ادهوکراتیک 	<ul style="list-style-type: none"> ● مدیریت اثربخش
<ul style="list-style-type: none"> ● نامشخص 	<ul style="list-style-type: none"> ● ناپلئونی: تأکید بر دانش کاربردی و کنش ابزاری 	<ul style="list-style-type: none"> ● همپولتی: تأکید بر دستیابی به حقیقت و همکنشی اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> ● رهبری
<ul style="list-style-type: none"> ● بر مبنای مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی 	<ul style="list-style-type: none"> ● بر مبنای ارزشهای بازار، پول، سود بیشتر، درآمد بیشتر 	<ul style="list-style-type: none"> ● بر مبنای ارزشهای مشترک جهانی: زندگی بهتر، حفظ محیط زیست و ... 	<ul style="list-style-type: none"> ● استاندارد سازی
<ul style="list-style-type: none"> ● افزایش دستیابی به آموزش عالی بی‌تناسب و بی‌کیفیت ● گسترش آموزشهای نیمه‌حضوری ● رقابت در دستیابی به رتبه‌های منطقه‌ای ● رشد نامتوازن جنسیتی، رشته‌ای ● بی‌نیاز از تعاملات بین‌المللی ● تلاشی در تولید مقالات ISI ● ایجاد پردیسهای کوچک و دور افتاده ● تلاش برای بومی سازی دانشجویان ● عدم دسترسی به اطلاعات 	<ul style="list-style-type: none"> ● ایجاد پردیسهای مجازی برای کسب درآمد ● چرخش اطلاعات بر مبنای کسب سود بیشتر ● همکاری علمی در راستای کسب منافع ● دانش در اختیار کسی که بهای آن را می‌پردازد ● تنوع در چگونگی عرضه به ویژه به صورت فرامرزی 	<ul style="list-style-type: none"> ● گردش آزاد اطلاعات ● افزایش توان تحرک دانشجو و استاد ● افزایش همکاریهای علمی و پژوهشی ● دستیابی برابر به اطلاعات ● افزایش تنوع جنسیتی، قومی، نژادی، فرهنگی و ملیتی 	<ul style="list-style-type: none"> ● بین‌المللی شدن

نتیجه‌گیری

همان گونه که اشاره شد، هدف از این مطالعه ارائه درک درستی از مفاهیم و رویکردهای مربوط به پدیده جهانی شدن است تا بر مبنای آن بتوان با توجه به وضعیت کنونی نظام آموزش عالی ایران برای برنامه پنجم توسعه این بخش راهبردهایی را برگزید که بتواند به توسعه متوازن آموزش عالی بینجامد. بنابراین، چنانچه بین‌المللی شدن دانشگاهها را به مثابه پاسخی به جهانی شدن قلمداد کنیم، می‌توان گفت که این فرایند نیز در دانشگاهها مسیری دوگانه را طی کرده است. اگر چه این دو مسیر کاملاً متفاوت‌اند، اما به نظر می‌رسد که ادبیات همسان، اما با مفاهیم کاملاً متفاوتی را ایجاد کرده‌اند و نتیجه چنین وضعیتی واگرایی نسبتاً شدید میان نظریه‌ها و کنشهاست. این واگرایی میان نظریه تا کنش را می‌توان در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی، سازمانی و فردی به تصویر کشید. در عرصه جهانی به دلیل مدیریت جریان حاکم بر نظام جهان از سوی مراجع قدرت نظیر بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت صندوق بین‌المللی پول، و ... رویکرد کالایی‌سازی و تجاری‌سازی به رغم نظریه‌پردازیهایی مخالف حتی برخی از مدیران این نهادها شکاف گسترده‌ای از نظریه تا کنش به چشم می‌خورد. در عرصه منطقه‌ای و ملی، چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای کاهش مسئولیتهای بخش عمومی با بهره‌گیری از ادبیات نوین و پیشرو نظیر خصوصی‌سازی، کارآفرینی، افزایش بهره‌وری و پاسخگویی می‌کوشند تا نهادهای تولید علم خود را به سوی بازار و کالایی‌سازی سوق دهند. در قلمرو سازمانی و فردی نیز وضعیت مشابهی به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که با تلقی کردن دانشگاه به مثابه «بنگاه اقتصادی»، یا به عبارتی، «بنگاه دانش» هر دو آنها را به سوی کسب درآمد بیشتر و افزایش بهره‌وری سوق می‌دهند.

این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته و به ویژه در دانشگاههای برتر این گونه کشورها واگرایی چندانی میان عرصه نظر و کنش به چشم نمی‌خورد. نظامهای آموزشی این کشورها و دانشگاههای پیشرو آن همچنان بر رسالت دیرین دانشگاه به مثابه خرد منفصل جامعه و برخوردار از استقلال و آزادی علمی اصرار می‌ورزند تا این نهاد دیرپا که دستاورد

جامعه بشری است، بتواند همچنان به آموزش آزاد و پرورش ماهیت بشری و تولید دانش بیندیشد که می‌تواند به بالندگی و بهزیستی بشریت در زیست بومی پایدار و سالم یاری رساند. بررسی آسیب‌شناختی وضعیت آموزش عالی ایران در فرایند جهانی شدن حکایت از فاصله زیاد تا وضعیت مطلوب دارد که نیازمند درک درست از مفاهیم و شرایط موجود و برنامه‌ریزی اصولی است. بنابراین، باید در اندیشه راهبردهایی بود که ضمن درک محیط جامعه بشری، اصلاح وضعیت موجود، آمادگیهای لازم را نیز برای رویارویی با چالشهای حال و آینده که گستره جهانی یافته‌اند، ایجاد کرد.

راهبردهای اصلاحی را، که می‌تواند در برگیرنده سیاستهای کلی و عملیاتی برای وضعیت ایران باشند، به طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد.^{۵۲} در خور توضیح است که این راهبردها بر مبنای مطالعات پیشین و یافته‌های آسیب‌شناختی آن تدوین و در کمیته‌های کارشناسی و تخصصی تدوین برنامه پنجم اعتباریابی شده‌اند.

راهبردهای رقابت - محور

منظور این نوشتار از این گونه راهبردها صرفاً اقتصادی نیست، بلکه بیشتر بر جنبه اصلاحات یادگیری آموزشی تأکید دارد که با توجه به وضعیت کنونی نظام آموزش و آموزش عالی ایران می‌تواند در برگیرنده محورهای زیر باشد:

- بازتعریف، تبیین و کاربست فلسفه آموزش و آموزش عالی بر مبنای تفاهم و خرد جمعی جامعه علمی ایران و الگوی توسعه ملی مشخص؛
- تغییر فرهنگ یادگیری (با تأکید بر توسعه تمامیت فردی)؛
- تمرکززدایی و برخورداری مجامع علمی آموزشگران و مدیران مراکز آموزشی در جذب نیروی انسانی، تدوین برنامه‌های رسمی و روشهای آموزشی؛
- استانداردسازی؛

۵۲. برای آگاهی بیشتر و دقیق‌تر به جاودانی (۱۳۸۷)، بررسی الزامات جهانی شدن و چالشهای اساسی پیش روی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی مراجعه شود.

- در سطح دروندادها: تأمین حداقل منابع لازم انسانی، مالی، علمی، فضای کالبدی و بهره‌گیری از فناوریهای مناسب آموزشی؛
 - در سطح بروندادها: با توجه به کیفیت بروندادها، از جمله دانش آموختگان و تولیدات علمی؛
 - بهبود مدیریت منابع انسانی و آموزشی؛
 - تنوع بخشی به نهادهای آموزشی.
- راهبردهای مالی - محور**
- تأمین و تخصیص منابع مالی لازم متناسب با گسترش آموزش عالی؛
 - تخصیص بهینه منابع مالی با رعایت اصول کارایی - محور و عدالت محور؛
 - شفاف سازی هزینه‌ها و درآمدهای آموزش عالی یا به عبارتی مشخص بودن اهداف تخصیص؛
 - تبیین سهم دانشجوی و خانواده او در تأمین منابع آموزش عالی بر مبنای بازده انفرادی و اجتماعی آموزش عالی؛
 - روشن و مشخص ساختن نقش و سهم بخش آموزش عالی خصوصی همراه با بازتعریف بخش خصوصی.

راهبردهای عدالت - محور

هدف از کاربست این راهبردها افزایش فرصتهای برابر بر مبنای اصل تساوی افقی و عمودی است؛ منظور از تساوی افقی برخورداری افراد با وضعیت مشابه از امکانات، هزینه‌ها و منابع یکسان است. منظور از تساوی عمودی کاربست سیاستهای هزینه‌ای، مالیاتی و رایانه‌ای به گونه‌ای است که با افراد ناهمسان [از نظر اقتصادی و اجتماعی] به گونه‌های مناسب مختلف رفتار شود.

References

1. Breton, Gilles(2003); *De l'internationalisation à la Globalisation de l'enseignement Supérieur, Dans Globalisation et Université: Nouvel Espace, Nouveaux Acteurs*; Edition Unesco/les Presses de l'Université Laval.
2. Centre European Pour l'enseignement Supérieur(2001); "La Globalisation:Un Nouveau Paradigm Pour les Politiques d'enseignement Supérieur"; Vol. XXVI, No.1 Criticism of World Trade Organization. World Bank and International Monetary Fund- Editorial. The Ecologist. September, 2000.Retrieved on 2007-10-07.
3. Daniel, John(2003); *Le Communisme Scientifique et l'Economie Capitaliste: l'Université à l'ère de la Globalisation*; Dans Globalisation et Université: Nouvel Espace, Nouveaux Acteurs; Edition Unesco/les Presses de l'Université Laval.
4. Deem, Rosemary (2001); "Globalization, New Managerialism, Academic Capitalism and Entrepreneurialism in Universities: is the local dimension still important?"; *Comparative Education*, Vol. 37, No. 1, pp. 7-20, Routledge, uk.
5. Javdani, Hamid (2008); "Managerial Subsystem in Iranian Higher Education: Past, Present and Future"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol.14, No. 2, pp.139-161(in Persian).
6. Javdani, Hamid (2008); "Study of Organization Development in Iranian Higher Education System"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol.13, No. 4, pp. 21-44 (in Persian).
7. Jones, P.(2000); *Globalization and Internationalism: Democratic Prospects for World Education*; in Stromquist, N .and Monkman,

- K.(ed.) *Globalization and Education: Integration and Contestation Across Culture*; Boulder: Rowman and Little Field, pp. 27-42.
8. Knight, Jan(2004); "Internationalization, Remodeled: Definition, Approaches and Rationales"; *Journal of Studies in International Education*, No. 8, pp. 5-31.
 9. Knight, Jane (2003); *Les Accords Commerciaux (AGCS): Implication Pour L'enseignement Supérieur; Dans Globalisation et Universités: Nouvel Espace, Nouveaux Acteurs*; Editions Unesco/les Presses de l'Université laval.
 10. Kubow, P. K. and S. H. Crawford (2001); "Building Global Learning Experiences: A Case study of a Hungarian, Ukrainian, and American Educational Partnership"; *Higher Education in Europe*, Vol. 16, No. 1, pp. 77-85.
 11. Mok, K. H. (2007); "Questing for Internationalization of Universities in Asia: Critical Reflection"; *Journal of Studies in International Education*, Vol. 11, No. 3-4, pp. 433-454, Sage Publications.
 12. Mok, K. H. and A. Welch (Eds) (2003); "*Globalization and Educational Restructuring in the Asia Pacific Region*"; Basingstoke: Palgrave Macmilan.
 13. Mok, K. H. and H. H. Lee, (2000); "Globalization or re-Colonization: Higher Education Reforms in Hong kong", *Higher Education Policy*, Vol. 13, pp. 361-377.
 14. Mok, Katto (2008); "Globalization, New Education Governance and State Capacity in East Asia"; *Globalization, Societies and Education*, Vol. 5, No. 1, pp. 1-22, Routledge, UK.
 15. Morin, Edgar (1999); *Les Sept Savoirs Necessaires A L' Education du Future*; Seuil, Paris.

16. Morin, Edgar (2006); *Globalisation et Education: les Sept Saviors Nécessaire à l'Education du Future*; Traduit by Hamid Javdani, Institute for Management and Planning Studies (IMPS):Tehran (in Persian).
17. Papastephanou, Marianna (2005); "Globalization, Globalism and Cosmopolitanism as an Education Ideal"; *Educational Philosophy and Theory*, Vol. 27, No. 4, Australasia.
18. Rizvi, Fazal (2007); "Post Colonialism and Globalization in Education"; *Cultural Studies Critical Methodology*, Vol. 7, No. 3. pp. 259-263, Sage Publication, UK.
19. Shultz, Lynette (2007); "Educating for Global Citizenship: Conflicting Agendas and Understanding"; *The Alberta Journal of Education*, Vol. 53, No. 3, pp. 248-258, USA.
20. Stromquist, Nelly P. (2007); "Internationalization as a Response to Globalization: Radical Shift in University Environment"; *Higher Education*, No. 53, pp. 81-105, Springer Science & Business Media B.V.
21. Unesco (2001); *Projet de Conclusion et Recommendation, Réunion d'experts sur L'impact de la Globalization sur des Diplômes dans l'enseignement Supérieur* ; Paris:Unesco.